



۲۰۱۳/۰۶/۰۶

داکتر سيد عبدالله کاظم

بحث بر حقوق زنان اکنون بار دیگر به ۹۰ سال قبل برمیگردد!

نگاه مختصر به موضوع

قانون «منع خشونت علیه زنان» که سه سال قبل در اثر فرمان تقنینی نافذ گردیده بود و اخیراً از طرف ولسی جرگه به حالت تعلیق درآورده شد، یک جفای نابخشودنی در حق زنان مظلوم بیدفاع افغانستان محسوب میشود. (برای شرح مزید دیده شود: ستون نظرخواهی در پورتال افغان جرمن آنلاين - مقاله محترمه صالحه وهاب واصل؛ همچنان نامه سرگشاده «فارو» به وکلای که مانع تصویب قانون منع خشونت علیه زنان شدند و دیگر نوشته ها) اینکار ولسی جرگه که در این روزها مورد انتقاد شدید جامعه مدنی کشور و مؤسسات حقوق بشر قرار گرفته است، ما را بیاد ۹۰ سال قبل می اندازد که در عصر فرخنده شاه عدالت پرور افغان اعلیحضرت غازی امان الله خان با انقاد «نظامنامه نکاح، عروسی و ختنه سوری» در سال ۱۳۰۲ (۱۹۲۳) مهمه و غوغا ایجاد کرد و حلقهات محافظه کار کشور آنرا یک «بدعت» و حتی بعضی از مواد آنرا مغایر شرع شریف دانسته علیه آن به تبلیغ وسیع دست یازیدند. از آنجائیکه این نظامنامه پس از تصویب شورای دولت وقت نافذ شده بود، برطبق «نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان - مصوبه لویه جرگه ۱۳۰۱» ایجاب میکرد به «لویه جرگه» ای که در آنوقت حیثیت «مرجع تقنین» را داشت، رویت داده می شد تا با تصویب آن از یکطرف تبلیغات سوء مخالفان پایان می یافت و از طرف دیگر نظامنامه مشروعیت قانونی خود را کسب می نمود.

در ارتباط با نقش لویه جرگه بيمورد نخواهد بود تا یک قسمت فرمان شاهی را که جهت دعوت وکلای لویه جرگه ۱۳۰۳ صادر گردیده بود، در اینجا از نظر بگذرانیم تا با ماهیت واقعی نظام «دولت ملی» در آن عصر پی ببریم، چنانیکه در فرمان آمده است:

«این کمترین عبادالله از بدو جلوس خود تتبع به پیروی سنت سنیه محمد (ص) اساس سلطنت وطن عزیز خود را بمشوره وضع نمود، در پایتخت عالی بخت مملکت شاهانه خودم تشکیل مجلس شورای دولت که مرکب از وکلای منتخبه شما ملت و اعضای طبیعی مأمورین دولت است، نموده که همه قوانین و نظامات مملکت داری در آنجا غور و خوض میشود و بعدالاتفاق آراء در معرض اجرا آورده میشود. همچنان در مرکزهای همه ولایات و حکومتها تا علاقه داری ها مجلس مشوره از اعضای منتخبه وکلای شما ملت دائر و همه اجراءات آن مطابق احکامات الهی بواسطه مأمورین دولت باتفاق و مشوره وکلای منتخبه اجرا میشود. با وجود این همه مجلس مشوره که به پیروی سنت سنیه در همه مملکت شاهانه اجرا است، چون حکومت را از ملت و ملت را از حکومت دانسته نفع و ضرر وطن عزیز خود را بهمه ملت نجیب خود مشترکاً مساوی میدانم، اراده نمودم که مکرراً یک مجلس به اسم «لویه جرگه» که مرکب باشد از علما، سادات، مشایخ، خوانین و وکلای همه اقوام به دارالسلطنه کابل انعقاد یافته در همه امورات مملکت داری و پیشنهادات ترقی و تعالی و تنظیم نظامات و قوانین دولتی و تمام سیاسیات داخله و خارجه بحث و مذاکره نموده شود و آنچه خیر و بهبود اداره حکومت و فوز و فلاح اهالی ملت را با اتفاق آراء ملاحظه نمائیم، متفقاً تنظیم و بعد از اتفاق آراء متوکلاً علی الله در اجراءات آن عزم بالجزم نمائیم تا باشد که با اتباع سنت فزون اول اسلام ترقیات دینی و دنیوی خودها را فائز و نائل شویم». (صفحه ۱۰ و ۱۱ رویداد لویه جرگه)

در لویه جرگه ۱۳۰۳ منعقدہ پغمان که از ۲۰ سرطان تا ۹ اسد زیر نظر شاه امان الله با اشتراک ۱۰۵۴ نفر اراکین دولت و نمایندگان مردم از تمام ولایات افغانستان دائر شد، یک تعداد معاهدات با دول متحابه و نیز نظامنامه ها از جمله «نظامنامه نکاح، عروسی و ختنه سوری» مورد بحث و مشاجره جدی قرار گرفت که برخی مواد این نظامنامه به اثر فشار های وارده از سوی محافظه کاران مذهبی تعدیل گردید، بخصوص مواد مربوط به شرایط موضوعه در مورد تعدد ازواج و نکاح صغیره.

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

گزارش مکمل این لویه جرگه تحت عنوان «رویداد لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳» در همان سال در مطبوعه سنگی وزارت حربیه در ۴۵۲ صفحه و به تعداد یک هزار نسخه چاپ شد که جریان مباحثات روی مواد نظامنامه فوق الذکر در صفحات ۱۶۷ الی ۱۹۷ آن کتاب به تفصیل بیان شده است. این سند تاریخی و مهم افغانستان اکنون بسیار کمیاب و به ندرت پیدا میشود، زیرا رژیم های بعدی آنرا عمداً جمع آوری و از دسترس بدور نگهداشتند و ترس از آن داشتند که مبادا شیوه های بحث دیموکراتیک آن عصر بر شیوه های مقید و تاحدی استبدادی رژیم های بعدی اثر گذارد. با مطالعه متن کامل این کتاب ملاحظه میشود که یک پادشاه شخصاً به محضر وکلای ملت میروید و با جبین گشاده به نظریات وکلا گوش میدهد و به دفاع از خواسته های بهیخواهانه حکومت بطور منطقی و دلسوزانه استدلال میکند و اما با ارج گذاری به رأی اکثریت از نظر خود میگذرد. این نوع دیموکراسی و همچو یک پادشاه در هیچ کشور اسلامی نظیر نداشت و حتی در بسا کشورهای مدرن اروپائی این روش کمتر معمول بود.

در ارتباط با مباحثات جاری روی قانون «خسونت علیه زنان» و انگیزه های تعلیق آن که در این اواخر از طرف ولسی جرگه صورت گرفته است، میخوام در این نوشته به حیث یک مبحث تاریخی و مهم نکاتی را مطرح سازم تا دیده شود که افغانستان حالا در همان دشواری قرار دارد که ۹۰ سال قبل با آن مواجه بود و محافظه کاران مذهبی اکنون بار دیگر موضوع را با همان تنگ نظری نگاه میکنند که تقریباً یک قرن قبل با آن برخورد میکردند. درحالیکه امروز وضع جهان تغییر کرده و اکثر کشورهای اسلامی در قوانین موضوعه خود در زمینه حقوق زنان قدم های بسیار فراخ گذاشته و نیز موضوع مبارزه با خسونت علیه زنان و تجاوز جنسی در چوکات خانواده از دو دهه بدینسو در سطح جهانی به حیث یک ضرورت میرم شناخته شده است، چنانکه مجمع عمومی ملل متحد که افغانستان یک عضو قدیمی آن میباشد، در دسامبر ۱۹۹۳ اعلامیه جهانی «محو خسونت علیه زنان» را به تصویب رسانید و تطبیق فوری مندرجات آنرا توسط کشورهای عضو برای «تأمین امنیت، مساوات، تمامیت جسمی و کرامت انسانی همه انسانها» ضروری دانست.

جریان مباحثات لویه جرگه پیرامون نظامنامه

«نکاح، عروسی و ختنه سوری»

(روز دوشنبه مورخ ۲۹ سرطان ۱۳۰۳ - جلسه قبل از ظهر)

بیانیه مقدماتی شاه امان الله غازی:

نخست شاه امان الله بیانیه مبسوطی درباره لزوم آن نظامنامه ایراد کرد، به این عبارات: «ایزد پاک همچنانیکه در قرآن مجید بما مسلمانان اجازه نکاح را تا چهار زن عطا و کرامت فرموده است، همچنان بلکه بیشتر از آن بربنندگان خود تأکید عدالت و مساوات را درمیان ازواج شان نموده است. اسفا دراین زمان اکثری از مسلمانان این حصه کلام رب العالمین را که (فَنكحُوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع) است تماماً به نظر قبول می بینیم و از آن حصه مهمه آن که (وان خفتم الا تعدلوا فواحدة) کاملاً صرف نظر نموده ایم. این عاجز از وضع این نظامنامه بجز از تعمیل و تنویر احکام رب قدیر و متوجه نمودن مسلمانان را بسوی خطای فاحش شان و آنها را موفق داشتن و مکلف نمودن بدین حکم پروردگار، دیگر چیزی را در نظر نداشتم».

شاه امان الله در ادامه فرمود: «بلی! مقصدم از وضع این نظامنامه آن است که من عاجز از زمان شهزادگی خویش الی آلان بغیر از نفاق ملت افغانیه و قتل و قتل در خصوص زن گرفتن و دختر دادن دیگر چیز را ندیده ام و نمی بینم. آرزو دارم که بیک طریق خوب و یک روش مرغوب که خوشی جانبین را حائز باشد، مراسم ازدواج را بنمائید تا حیات و گذاره و صورت معیشت شان به اتفاق و خوشی و یکرنگی بگذرد. والله! دیده ام که مابین دو برادر درخصوص یک زن اینطور عداوت و عناد پیدا شده که اگر در راه آن برادر، دیگر برادر خود را ببیند، بجز آنکه سرش را قطع کند، دلش سرد نمیشود. همچنین نکاح صغارت نیز موجب مشاجرات و مناقشات دیده و شنیده شده، چنانچه یکی برخواسته میگوید که این دختر را پدرش در وقت صغارت برای من نامزد کرده است. در اینصورت هم در خانه داماد یک نزاع پیدا میشود و هم در خانه عروس منافرت بوجود می آید».

ایشان درخصوص شخصیکه یکزن داشت و خواهش نکاح ثانی را می نمود، چنین گفت که: «در نکاح دوم دو نفر شاهد بیاورد که شخص عادل و بانصاف است، چرا آن زن اول بیچاره در صورتیکه بر وی دیگر زن بیاید، معلوم است که با یک عالم زحمت دچار میگردد. لکن از خوف مظالم شوهر صدائی نمی کشد و آوازش بجائی نمیرسد. هر قدر ظلم و تعدی که (شوهر) مینمود، بیچاره فلک زده تحمل میکرد. بعضی زنها که در محکمه ها بی پرده

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

میرفتند و شوهرش که بیرون بایک وضعیت خیلی قشنگ می برآمد، بواسطه که زنش او را در محکمه آورده، هزار لعن و طعن می شنید. فقط برای دفاع از این مظالم و قایم شدن عدالتیکه خداوند تأکید آنرا در ازدواج فرموده، گفتیم یک شاهد و یک تصدیق نامه آن مردی که میل به نکاح ثانی دارد، قبل از عروسی بدهد که زن اول و ثانی را بییک نظر دیده و عدالت مینماید. دراین نکته من خیر ملت خود را میدانم. مثل امروز زکوة را مردم بسیار کم میدهند، اما مالیه را بخوبی میرسانند، چیست که در حصول زکوة محصل مقرر نیست و بر مالیه محصل موجود است. گویا مصدق محصل عدالت و مساوات گفته میشود».

شاه امان الله افزود: «هزار افسوس برناخوانی و جهالت که نظامنامه را نخوانده و ندیده چنان گفتند که حکومت امر کرده تا رضای زن اول نباشد، احدی دیگر زن گرفته نمیتواند. نی! آغا! مساوات بکن، عدالت بکن، چهار زن بگیر. لاکن از آن چهار زن که همیشه دربین شان جنگ و جدال و قتل و قتال باشد، بخیالم یک زن بهتر است. حکومت شما گاهی نگفته که در گرفتن زن ثانی رضای زن اول بکار است، کدام زن است که بگرفتن یک زن دیگر شوهر خود را امر کند و رضا باشد، حتی اگر یک زن لنگ و کور هم باشد، گاهی باین امر خوش نیست که شوهرش زن دیگر بگیرد. اما دروقتیکه یک مرد عدالت و مساوات نداشته باشد، گاهی راضی نیستیم که زن دیگر بگیرد و باز هر دوی شان در محکمه حاضر شوند. هرکس که بحث و مذاکره و تنقید برین نظامنامه داشته باشد، اینک نظامنامه برای تان سراپا خوانده میشود، بشنوید و فقرات بحث طلب را بیرون نویس کنید که درخاتمه برآن گفت و شنید نمائیم. من حاضریم که همراه تان در آن موضوع گفت و گو نمایم.» (صفحه ۱۶۷ تا ۱۷۰ رویداد لویه جرگه)

آغاز مباحثات

پس از پایان گفتار اعلیحضرت، منشی مجلس متن مکمل نظامنامه را قرائت کرد و مباحثه روی مواد متنازع فیه آن آغاز گردید. قابل ذکر است که شاه امان الله در برابر اعتراض هر وکیل شخصاً به توضیح می پرداخت و می کوشید طرف را قناعت دهد که در اینجا فقط با ذکر مختصراً هم مطالب آن بسنده میگردد:

وکیل مشرقی بر ماده که در آن ذکر نگرفتن بیشتر از یک زن است، در صورت عدم عدالت و مساوات اعتراض کرد و گفت: «در اینجا حکم بدست مردان است که خواه یکزن بگیرند یا چهار زن، حکومت حق ندارد که منع کند، چرا که در شریعت موقوف نشده و در صورت عدم عدالت و مساوات زن مختار است که خودش در محکمه میرود و یا وکیل میگیرد تا او همراه شوهرش مباحثه کند و حقوق حق آن زن را بدستش بدهد.» (صفحه ۱۷۰ - ۱۷۱)

اعلیحضرت: «این حکم در کدام ماده و در کدام صحیفه نظامنامه مندرج است... این افواه که زبانزد عوام گردیده، از تبلیغات اعداء (دشمنان) و از بیخبری خود شما است.... ابتدا حکومت شما تعدد ازواج را مانع نشده است، البته یگانه خواهش حکومت آنست که بر طبق فرمایش ایزد پاک عدالت و مساوات حقیقی در بین طبقه نکور و انات مرعی و معمول باشد و این از بدیهات است اشخاصیکه بیشتر از یک زن را در حباله نکاح میگیرند، ابتدا مراعات عدل و انصاف را نمی کنند و اولاده یکزن اطفال دیگر زن شوهر خود را که در حقیقت برادراند، با اقارب و طرفین او به نظر بغض و حسد نگریسته و رفته رفته از همین تعدد ازواج چنان یک نفاق و بیگانگی در بین اقارب نزدیک برضد او امریکه ایزد پاک که بار بار ما را با اتحاد و اتفاق دعوت کرده، اعمال ناگواری بوجود می آید. از اینرو حکومت تان نه حکم امتناع تعدد ازواج را کرده و نه یکسر اجازه داده است که باوجود مظالم و بی انصافی و اعتساف (ستم و ظلم) پیشگی چند زن بنمایند که بدون مصدق و علامات و شواهد عدالت بیشتر از یک زن را گرفته بتوانند، البته اگر کسی تصدیق انصاف و مساوات و عدالت ناکح را بکند، گاهی حکومت او را از تعدد منکوحات مانع نمیشود.» (صفحه ۱۷۱ - ۱۷۲)

مولوی فضل ربی بعد از یک مقدمه به تائید عدالت در تعدد ازواج چنین گفت: «خطاب عدالت از طرف رب العزت برای شوهران است، نه برای اولی الامر. لهذا پادشاه هیچ حق مداخلت را در تعدد نکاح به تقرر مصدق و شرط عدالت نخواهد داشت و این هم بدیهی است با وجودیکه یک مرد در موقع نکاح خویش تصدیق عدالت خود را بنماید، چون قبل از وقت است بعد از نکاح اگر عدالت نکند از عقل بعید نیست، پس عقلاً و نقلاً وجود و شرط مصدق در تعدد ازواج بیسود است.» (صفحه ۱۷۲)

با بیان فوق شور و غوغا برخلاف تقرر مصدق در لویه جرگه برپا شد و «هریک از علما و وکلا و سادات برپا خواسته نظریات مطوله و مختصر خویش را بر عدم تقرر مصدق خاتمه میداد و هم ضمناً از محصولیکه (مقصد

د پانوی شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

صکوک است) بر نکاح ثانی و ثالث و رابع حسب المراتب مقرر بود، زمزمه سرائی کرده و متفقاً اظهار داشتند که مصدق و محصول هر دو باید الغا یابد و ذات همایونی بکمال بشاشت و خنده پیشانی حسب النوبه به سخن هر کدام گوش میداد».

در این موقع «حضرت صاحب شوربازار» چنین گفت: «در باره مصدق شخص خودم هیچ گفته نمیتوانم که باشد یا نه، لاکن آرزومند محصولیکه بر شوهران نکاح دوم، سوم و چهارم در این سال مجدداً مقرر شده است، معاف گردد». (صفحه ۱۷۳)

اعلیحضرت که از جوش و خروش و کلا در حیرت فرو رفته بود، بار دیگر رشته سخن را بدست گرفت و خطاب به وکلا فرمود: «ما و شما تماماً از طبقه اناتیه که بجز از چشم و نگاه ما دیگری را نمی شناسند و اسباب مسرت و غمگینی شان خنده پیشانی و چین جبین ما مردان است، مسؤولیم. مخصوصاً شخص خودم که با الطاف خداوندی پادشاه شمایم، چنانچه که از رفاه و آرامی شما مردان مسؤولم، بیشتر از آن از رعایای اناتیه خود نیز شرعاً و عقلاً و نقلاً مسؤولم. بخدا که دل و جان و وجدان من گاهی بدین امر روادار نیست که محض بواسطه خواهش نفسانی یک عده از مردان بهیمه (حیوان) صفت این همه پریشانی ها و مذلت را بریکدسته از رعایای مظلومه بی زبان ملت که طبقه مستورات است، روا دار شوم و این را هم ناگفته نمیگذارم که شما علما و فضلا همچنان که من در این مسؤولیت داخل، زیاده تر از آن زیر بار این مسؤولیت خواهید بود. از برای خدا! کسانیکه ترتیب معیشت و نگرانی آنها را خداوند به ذمه شما گذاشته است، آن حق را رعایت کنید و عینک بهیمه صفاتی را از خود دور کرده به چشم حق بین در اصل مسئله دقت را بکار برید. زندگانی مردی که یکرزن داشته باشد، نسبت به اشخاصیکه زنهای مختلفه السیرت متعددی را داشته باشد، چقدر متفاوت است». (صفحه ۱۷۴)

مولوی محمد حسن خان پس از تائید سخنان اعلیحضرت پیشنهاد کرد که: «در صورتیکه مرد بعد از ازدواج واحد خیال دیگر زن را داشته باشد، چون عدل محال است و از عدم عدل آن اندیشه شقاق لاحق میشود، پس هنگام ازدواج مزید یک نفر از طرف مرد و دیگر از اهل زن پیشتر مقرر باشد تا اصلاح شانرا بعمل آورد و این دونفر دایماً ضامن و مراقب و منفعت احوال هر دو طرف باشند». (صفحه ۱۷۵)

مولوی محمد بشیر این نظر را تائید کرد ولی «یک ملا برپا خواست و به تائید مولوی بشیرخان و اعلیحضرت غازی و عموم کلمات از حد مفید را ایراد کنان بعرض رسانید که شریعت محض بغرض اقامه عدالت برای زنانیکه در نفقه و کسوت و غیره لوازماتش از طرف شوهر نقص و فتوری (سستی) واقع شود، حکم و اجازه داده است که بحکومت استغاثه کند». موصوف پیشنهاد کرد که: «اگر به جای مصدق در نظامنامه چنان تصریح شود که زنان مظلوم که حقوق شانرا مردان تلف کنند، حق دارند به هر ذریعه که میتوانند این مسئله را به محکمه مرافعه کنند و حکومت راست که علاوه بر توصیه عدالت و مساوات، آن مرد ظالم را مجازات کند».

با این گفته «تماماً تائید کنان این نظریه را تصویب نموده و آرزوی منظوری آنرا از حضرت پادشاهی التجا کردند». اعلیحضرت با احترام به نظر اکثریت وکلا پس از یک مقدمه کوتاه چنین فرمود: «اکنون که شما علمای اعلام خواستار معافی محصول میباشید و هم برای دوام عدالت و مساوات در باب زن حق شکایت نمودن را به محاکم عدلیه دادید و هم حکومت را به مجازات شخصیکه بر ازواج خویش مراعات عدالت را نمیکند، اختیار دادید، هر دو یک مطلب است گویا من از اول بهره دار مقرر کرده بودم که دزدی نشود و دزد به نظر نیاید و شما میگوئید که حاجت ندارد اگر دزدی شد و مال غائب گشت، باز از روی تفتیش و دلایل و امارات هم مال را پیدا میکنیم و هم دزد را مجازات میدهیم. این خادم شرع شریف نیز برین نظریه شما مسرور و ازین حق پسندی شما که همواره برای نسوان مظلوم حق استغاثه را از دست شوهران ظالم پیشه دادید، تشکر میکنم. برای حکومت قید اولیه که در نظامنامه بود و این قیدی را که شما به جهت همیشه فی الحال رأی دادید، فرق نمیکند، بلکه نسبت به پیشتر زیاده تر حکومت ترقب عدالت را مینماید». (صفحه ۱۷۸)

در این اثنا یک وکیل عرض کرد: «اعلیحضرتا! اگر برای اشخاصیکه زنان خود را از رفتن محکمه باز میدارند، هم مجازاتی مقرر شود، برای ادامه عدالت و مساوات چقدر موزون خواهد بود!». اعلیحضرت در جواب فرمود: «بلی! بلی! ضرور باید هم بر شوهرانیکه زنان مظلوم خود را از استغاثه به محکمه شرعیه مانع میشوند، مجازات

مقرر گردد و هم بر مردی که با وجود تنبیه حکومت مکرراً باز بی مروتی و مظالم پیشگی را واگذار نشود و باز استغاثه از دست وی بحکومت برسد، باید قدری مجازات وی در مرتبه دو و سه حسب المراتب کسب زیادت و شدت نماید». (صفحه ۱۷۹)

بآنکه بحث به اتفاق آرای عمومی خاتمه یافت، یکی از وکلای قندهار چنین پیشنهاد کرد: «چنانچه مردان در صورت عدم عدالت و مساوات به نزد حکومت مسؤوند، بایستی حکومت ما برای زنانیکه ناحق به محکمه از طرف مرد شکایت کنند و ریش شوهران خود را بدست قاضی و محتسب بدون سبب بدهند، نیز مجازاتی مقرر نمایند!» قبل از اینکه اعلیحضرت به جواب او بپردازد، «اعضای لویه جرگه سبقت جسته جواب های بسیار معقول برای وی گفتند که اول زنان را اینقدر جرئت نیست که ناحق و بدون سبب عریضه پرداز شوند و باز شریعت بدون گواه و دلیل سخن هیچ کس را نمی شنود».

در اینجا ساعت ۱۲ بجه را نشان داد و اعلیحضرت عموم حضار را مرخص فرمود و مزید مباحثه نظامنامه نکاح و عروسی را به جلسه بعد از ظهر موکول کرد.

(ادامه دارد)

(نوت: در قسمت دوم این نوشته توجه را به موضوع نکاح صغیره که یکی از پرچجال ترین مباحث لویه جرگه بود، جلب میدارم و متن آن نظامنامه را بعد از تعدیل نیز درج ضمیمه می سازم تا مورد استفاده محققان قرار گیرد)

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ